

بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی

منیره عابدی*

دکتر محمد رضا نیلی**

چکیده

اهداف تربیتی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای نمایش وضعیت تعلیم و تربیت یک جامعه است و یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیتی، تربیت اجتماعی است. زیرا رسیدن به آن کارکرد اجتماعی تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد. در این راستا، مقاله حاضر به بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای اهداف تربیت اجتماعی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با اهداف تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی پرداخته است. هدف از این بررسی، تحلیل اهداف تربیت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران و کشف موارد تشابه و تفاوت آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی است. بدین منظور از روش اسنادی - تحلیلی بهره گرفته شد. نتایج مقاله نشان داد که از اهداف تربیت اجتماعی ایران، هفت هدف در نظام آموزشی ایران و دیدگاه علامه به طور یکسان مورد توجه قرار گرفته است، دو هدف در دیدگاه علامه به صورت کامل‌تر و عمیق‌تر تعریف شده است، در دو هدف تفاوت‌های محتوایی و در دو هدف تفاوت بیانی وجود دارد. در ضمن علامه افزون بر این اهداف، به پنج هدف دیگر در تربیت اجتماعی اشاره کرده است.

واژه‌های کلیدی: اهداف تعلیم و تربیت، تربیت اجتماعی، علامه طباطبایی، نظام آموزش و پرورش ایران

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان (تأییدکننده نهایی مقاله) Email: abedi.monir81@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان Email: rezanili41@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۵ تاریخ تایید: ۱۳۹۰/۱۰/۱۸

مقدمه

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با تدوین مجموعه‌ای از اهداف کلی آموزشی در پی تربیت و رشد انسان در همه ابعادش است. با مروری کلی بر این اهداف می‌توان پی برد که بعد اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعادی است که در نظام آموزشی ایران مورد توجه قرار گرفته است (طی سال‌های اخیر گاهی اهداف اجتماعی و سیاسی تربیتی با یکدیگر تلفیق شده است). این اهمیت از مقایسه کمی تعداد اهداف مورد نظر در هر بعد به دست می‌آید. اهداف کلی نظام آموزشی ایران در هشت بعد اعتقادی، اخلاقی، علمی - آموزشی، فرهنگی - هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی و در ۵۶ هدف تدوین شده‌اند (مصوبات شورای عالی آموزش، ۱۳۷۷). درصد فراوانی این ۵۶ هدف در هر بعد به ترتیب عبارت است از: اهداف اجتماعی (۲۱/۴٪)، اقتصادی (۱۶٪)، علمی - آموزشی و فرهنگی - هنری (هر کدام ۱۴/۳٪)، اخلاقی (۱۲/۵٪)، سیاسی (۱۰/۷٪) و اعتقادی و زیستی (هر کدام ۵/۴٪). با تکیه بر این مقایسه کمی می‌توان ادعا کرد که در حالت کلی بعد اجتماعی تربیت در ایران از اهمیت یا به عبارتی وسعت بیشتری نسبت به دیگر ابعاد برخوردار است.

از سوی دیگر، اهداف کلی، غایت و جهت حرکت تعلیم و تربیت رسمی کشور را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که نظام آموزشی ایران در پی تحقق آنها در متریان است. با توجه به اسلامی بودن نظام تربیتی ایران، لازم است این اهداف بر اساس آموزه‌های دینی و وحیانی تدوین گردند تا با فلسفه اجتماعی حاکم بر جامعه، یعنی جنبه مشترک افکار، عقاید، ایدئال‌ها و آرزوها، آداب و سنن و مبانی اخلاقی مردم جامعه (شریعتمداری، ۱۳۷۲، ص ۷۳) نیز هماهنگ باشند. این امر، اخیراً مورد توجه خاص دست‌اندرکاران نظام تربیتی نیز قرار گرفته است. چنانکه «رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» اذعان دارد که با وجود زمینه دینی و فرهنگی مساعد در جامعه، تدابیر و اقدامات تربیتی صورت گرفته، در چهارچوب یک فلسفه تربیتی مدون و بومی که با جامعه اسلامی ایران هماهنگ باشد، نبوده است. بنابراین، ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی و بازسازی آن بر اساس مبانی دینی و شرایط اجتماعی، امری ضروری به نظر می‌آید (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸ الف، ص ۷-۸). در این راستا در طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، در قسمت مربوط به فلسفه تربیت، برای تبیین مبانی اساسی تربیت، باید به آراء فلاسفه بزرگ اسلامی مراجعه کرد که هم بر

استدلال و برهان تکیه دارند و هم برگرفته از مفاد تعالیم اسلامی هستند (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

با توجه به مطالب پیش گفته، که برگرفته از اسناد و گزارش‌های صادرشده از سوی مقامات آموزشی کشور است؛ در این مقاله، به منظور تحلیل اهداف تربیتی نظام آموزشی کشور و بررسی میزان هماهنگی آن با جهت‌گیری‌های اسلامی به آراء صاحب‌نظرترین و سرشناس‌ترین مفسر قرآن، علامه طباطبایی مراجعه می‌گردد؛ زیرا اندیشه‌های وی در سطحی عمیق و همه‌جانبه و به طور مستقیم از قرآن اتخاذ شده است و به خوبی می‌تواند بیانگر فلسفه اجتماعی حاکم بر ایران باشد. نکته قابل ذکر آن که نظر به اهمیت اهداف اجتماعی نظام آموزشی نسبت به دیگر اهداف (دست‌کم از لحاظ کمی) این بررسی تنها در رابطه با اهداف اجتماعی انجام می‌شود. هدف نویسندگان از این بررسی پاسخگویی به این پرسش‌ها است:

۱. اهداف تربیت اجتماعی ایران تا چه اندازه و چگونه در آرای علامه طباطبایی دیده می‌شود؟
۲. افزون بر اهداف تربیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران چه اهداف دیگری را می‌توان براساس دیدگاه علامه طباطبایی به دست آورد؟

فهرست اهداف تربیت اجتماعی در ایران

بر اساس مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش، اهداف کلی تربیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

۱. پرورش روحیه پاسداری از قداست و روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی؛
۲. پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط اسلامی و پاسداری از آن؛
۳. پرورش روحیه برادری و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن؛
۴. پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی؛
۵. پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن؛
۶. پرورش روحیه نظم در روابط فردی و اجتماعی؛
۷. پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی؛
۸. تقویت روحیه تولی و تبری؛
۹. تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط اجتماعی؛

۱۰. پرورش سعه صدر و تحمل آراء دیگران در برخورد اندیشه‌ها؛
۱۱. پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی آنان؛
۱۲. پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء (مصوبات شورای عالی آموزش، ۱۳۷۷).

بر این اساس می‌توان اهداف بالا را بدین شرح خلاصه نمود: روابط خانوادگی سالم، عدل و قسط، برادری و تعاون و همبستگی ملی، امر به معروف و نهی از منکر، احترام به قانون، نظم، مسئولیت‌پذیری و مشارکت، تولی و تبری، ایثار و گذشت، سعه صدر و تحمل آراء، احترام به شخصیت و رعایت حقوق، مقاومت در برابر تبلیغات. در ادامه اهداف تربیت اجتماعی ایران ذیل عناوین بالا بررسی می‌شود.

بررسی و تحلیل اهداف تربیت اجتماعی براساس دیدگاه علامه

به عنوان نخستین گام در بررسی اهداف تربیت اجتماعی ایران تلاش بر این است که ضمن تحلیل محتوای این اهداف، نحوه پرداخت علامه به هر یک از آنها مورد توجه قرار گیرد و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا می‌توان به نوعی هماهنگی و انطباق بین آن دو دست یافت؟ و یا نگاه علامه به این اهداف از دریچه دیگری بوده است؟ آیا تفاوت‌ها ساختاری هستند و تنها به نحوه بیان بازمی‌گردند؟ یا در محتوا نیز تفاوت‌هایی وجود دارد؟

روابط خانوادگی سالم: پرورش روحیه پاسداری از قداست و روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی نخستین هدف از اهداف اجتماعی نظام آموزشی ایران است و این امر نشان می‌دهد که روابط فرد با خانواده‌اش ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین رابطه اجتماعی او است که باید به آن پرداخته شود. از همین رو، در مصوبات اخیر وزارت آموزش و پرورش برقراری رابطه سازنده با خانواده به عنوان یکی از مبنایی‌ترین مؤلفه‌های ارتباط مورد توجه قرار گرفته است که نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری بنیاد هویت دارد. بر این اساس، شکل‌گیری و تداوم زندگی خانوادگی و آمادگی برای آن، یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های تربیت اجتماعی است (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). نکته قابل توجه آنکه این گزارش‌ها هدف از برقراری روابط سازنده با خانواده را توسعه آزادی و مرتبه وجودی انسان (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) می‌دانند. این امر نشان می‌دهد که اهمیت

خانواده به علت نقش چشمگیر آن در رشد فرد و آزادی جامعه است؛ زیرا با برطرف شدن بخش مهمی از نیازهای جسمانی و عاطفی فرد در خانواده، او می‌تواند با برخورداری از سلامت جسمی و روانی کامل به ایفای وظایف فردی و اجتماعی خود بپردازد.

در اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبایی نیز خانواده از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. وی خانواده را نخستین اجتماع بشری و امری فطری و مقدس می‌داند که با هدف رفع نیاز جنسی، تولید نسل و ایمنی از فحشا و فساد که منحل سعادت آدمی است بنا نهاده می‌شود و محبت به فرزند و آرامش و تسکین زن و مرد در کنار یکدیگر اصولی اساسی در آن است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۴۵-۴۹۴)، پس علامه نیز به قداست خانواده اعتقاد دارد و اهداف و اصولی را برای آن برمی‌شمارد که نشانگر اهمیت پاسداری از این قداست است؛ زیرا تشکیل و حفظ خانواده یکی از راه‌های حفظ جامعه و رسیدن به سعادت بشری است. ضمن آنکه برخورداری فرزندان از محبت در خانواده و تسکین یافتن همسران در کنار یکدیگر عاملی اساسی در ارضای نیازهای عاطفی افراد جامعه است. اهمیت این امر در دیدگاه علامه به اندازه‌ای است که ایشان «حدوث و بقای» جامعه را منوط به وجود روابط عاطفی در خانواده می‌داند: «جامعه انسانی که هرگز انسان نمی‌تواند بدون آن زندگی و دین داشته باشد، امری است اعتباری و قراردادی که در حدوث و بقای خود بستگی به محبت نسل دارد و محبت نسل نیز سرچشمه آن رابطه و علاقه‌ای است که در بین ارحام رد و بدل می‌شود و معلوم است که مرکز این رابطه خانواده است و قوام خانواده از یک طرف به پدر و مادر است و از طرفی دیگر به فرزندان» (همان، ج ۷، ص ۵۱۶).

به این ترتیب، می‌توان از سخن علامه در تبیین نقش خانواده در توسعه‌ی آزادی و مرتبه وجودی انسان که در بالا بدان اشاره شد بهره گرفت. به اعتقاد علامه تشکیل خانواده یک امر فطری مقدس است که عوامل منحل سعادت را از بین می‌برد. بی‌شک، پیروی از فطریات، تنها مسیر توسعه مرتبه وجودی انسان است و می‌تواند مانعی در برابر سرسپردگی انسان به آنچه جز او است باشد و از این طریق آزادی وی را توسعه دهد. بنابراین، سعادت نیز از همین راه تأمین می‌گردد. از سوی دیگر، ارضای عاطفی افراد که به بیان علامه کانون آن در خانواده است، مسیر دیگری برای توسعه مرتبه وجودی است.

عدل و قسط: دومین هدف اجتماعی نظام آموزشی ایران عبارت است از: پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط اسلامی و پاسداری از آن. این هدف را می‌توان در راستای این مبنای انسان‌شناختی تربیت دانست که همه انسان‌ها بر حسب آفرینش برابرند و حقوق و تکالیف به‌طور عادلانه میان آنها تقسیم شده است. بر این اساس، هیچ فردی بر دیگری برتری ندارد، افزون بر این، عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است که معیار آن رعایت حقوق افراد متناسب با وسع و ویژگی‌های آنان است (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

این هدف در دیدگاه علامه با عبارت «ایفاء به قسط» عنوان شده است و منظور از آن عمل به عدالت بدون هر گونه اجحاف است. در ضمن، اعتقاد علامه بر این است که ایفاء به قسط تکلیفی است که هر کس به اندازه وسع طاقت خویش بر عهده دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۵۱۸). این امر ضرورت تلاش برای تحقق هدف مذکور را در سنین کودکی و نوجوانی توجیه و لزوم متناسب ساختن آن را با ظرفیت افراد این گروه‌های سنی بیان می‌کند.

نکته دیگر آنکه علامه فراتر از ضرورت پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط اسلامی (ایفاء به قسط) به تربیت «قوامین به قسط» نیز اشاره دارد. قوامین به قسط افرادی هستند که در کامل‌ترین معنا قائم به قسط هستند. یعنی کمال مراقبت را به خرج می‌دهند تا تحت تأثیر هوای نفس یا عواطف از راه وسط (عدل) منحرف نگردند. این قیام به قسط آثاری دارد که پرهیز از دروغ و شهادت ناحق از جمله آن است، بنابراین، باعث پیروزی حق و دوام جامعه می‌شود (همان، ج ۵، ص ۱۷۷-۱۷۵).

به این ترتیب، می‌توان گفت علامه طباطبایی در پرداخت به هدف پرورش روحیه تحقق‌بخشی به قسط و عدل به دو سطح توجه دارد. در سطح اول، پرورش افرادی مدنظر است که در حد وسع خویش «عامل» به عدالت باشند. «قیام» کامل به قسط در سطحی فراتر از این قرار دارد و به معنای درست کردن، حفظ، تدبیر، تربیت، مراقبت، قدرت و تسلط بر یک امر است (همان، ج ۲، ص ۵۰۴).

قیام در سطح اول، همان است که در اهداف اجتماعی نظام آموزشی ایران با عنوان روحیه تحقق عدالت به آن اشاره شد. اما قیام کامل به قسط (سطح دوم) در اهداف تربیت اجتماعی نظام آموزشی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است.

برادری، تعاون و همبستگی ملی: پرورش روحیه برادری و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن، سومین هدف تربیت اجتماعی در ایران است. این هدف در اندیشه علامه تحت سه عنوان برادری، تعاون و همبستگی ملی و فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

علامه در رابطه با پرورش روحیه برادری در جامعه معتقد است، یکی از راه‌های رسیدن جامعه به سعادت حفظ منافع مردم و رفع اختلافاتشان است که از طریق رفع امتیازات ظاهری و ایجاد برابری و برادری به دست می‌آید. به این معنا که همه افراد در انسانیت و عضویت اجتماع شریک‌اند و تنها عامل تمایز آنها تقوا است (همان، ج ۱۸، ص ۴۸۹-۴۹۰). با این بیان می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه ایجاد روحیه برادری بیش از آنکه هدف باشد یک وسیله یا روش است که از آن در راه رسیدن به هدف حفظ منافع و رفع اختلافات مردم بهره گرفته می‌شود و در نهایت به هدف غایی سعادت جامعه منجر می‌گردد.

در مورد تعاون، دیدگاه علامه از دو بعد قابل بررسی است. نخست، آنکه می‌توان این تعاون را در راستای همان برابری و برادری دانست؛ به این معنا که برابری و برادری افراد حکم می‌کند که برای تحقق خواسته‌های خود با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند. «افراد انسان جمع شده در یک مجتمع ابعاضی شبیه به هم، از یک حقیقتند، حقیقتی متشابه. پس نباید بعضی از این مجتمع اراده و خواست خود را بر بعضی دیگر تحمیل کنند، مگر آنکه خودش هم از دیگران آن مقدار اراده و خواست را تحمل کند و این همان تعاون در به دست‌آوری مزایای حیات است» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۹۴).

در بعد دوم می‌توان گفت: تعاون اسلامی از منظر علامه همان صلاح و تقوای اجتماعی است. یعنی اجتماع افراد جامعه بر نیکی و تقوا یا به عبارتی بر ایمان و عمل صالح که در برابر تعاون بر گناه (هر عمل زشتی که منافی زندگی سعادت‌مندانه است) و عدوان (تعدی بر حقوق مردم و سلب امنیت آنان) قرار می‌گیرد (همان، ج ۵، ص ۲۶۶). احتمالاً در اهداف اجتماعی نظام آموزشی ایران هر دو بعد مورد توجه بوده است: بعد اول نظر به آنکه تعاون و برادری در یک هدف قرار گرفته‌اند و بعد دوم با توجه به قید اسلامی که بر تعاون وارد شده است. پس در این رابطه دیدگاه علامه و هدف مورد نظر نظام آموزشی جمهوری اسلامی کاملاً با هم قرابت دارند.

و بالأخره سومین مورد در رابطه با این هدف، بررسی همبستگی ملی از دیدگاه علامه است. در این زمینه باید گفت که علامه طباطبایی انشعابات ملی را به عنوان مرزهای جوامع نمی‌پذیرد، بلکه عقیده را مشخص‌کننده این مرزها می‌داند؛ زیرا انشعابات ملی یک ملت را به یگانگی در درون اجتماع خاص خود و از اجتماعات وطنی دیگر سوق می‌دهد و در نتیجه انسانیت دچار تشتت و پراکندگی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۲۴). با این حساب وی بر همبستگی ملی و فرهنگی به عنوان یک هدف تأکید خاصی ندارد و همبستگی بین افراد دارای عقاید مشترک را (هر چند از نظر مرزها در جوامع گوناگون زندگی کنند) بیشتر مدنظر دارد.

علامه در این رابطه، اجتماعی بودن تفکر مردم در کشورهای متمدن را نقد می‌کند؛ زیرا طرز تفکر اجتماعی آنها باعث شده است که جز نفع ملت و دفع ضرر از آن چیز دیگری را محترم نشمارند و بنابراین، در خارج از مرزهای کشور خود هر ستمی را روا بدارند. اما اگر در یک جامعه فضائل اخلاقی مبتنی بر توحید حاکم باشد، مردم به ملکات فاضله انسانی از جمله پیروی از حق، احترام به انسانیت، عدالت، کرامت، حیاء و اشاعه رحمت پایبند می‌شوند و این تنها راه حفظ یک جامعه است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۱۲). از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که علامه با دیدی فراملی و جهانی به مسئله همبستگی می‌نگرد که تا حدودی آرمانی و ایدئالی است. به این معنا که وی از یک سو اعتقاد را مرز جوامع می‌داند و از سوی دیگر پایبندی به فضائل اخلاقی مبتنی بر توحید را به عنوان عامل حفظ جامعه معرفی می‌کند. پس همه جوامع به منظور محافظت از بقای خویش باید به فضائل اخلاقی توحیدی دست یابند و این خود متضمن دستیابی به عقیده‌ای مشترک است که علامه آن را مرز حقیقی جامعه می‌داند. این نوع همبستگی که بیشتر جنبه اعتقادی دارد تا ملی و فرهنگی، مانع از بی‌احترامی و بی‌عدالتی در مورد افراد خارج از این مرز می‌شود؛ زیرا احترام به انسانیت و اشاعه رحمت از جمله ملکات فاضله اخلاقی است که افراد در داخل مرز عقیدتی بدان پایبند هستند.

به این ترتیب، ارتباط سه هدف بالا، که در نظام آموزشی ایران در قالب یک هدف بیان شده است روشن می‌گردد. افراد وقتی به همکاری می‌پردازند که با یکدیگر احساس برابری و برادری کنند و وقتی بر نیکی و تقوا اجتماع می‌نمایند که تقوا را به عنوان یگانه معیار برتری پذیرفته باشند. این حس برابری و تعاون اسلامی، در پایان،

دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند و نوعی همبستگی در افراد یک جامعه به وجود می‌آورد. البته می‌توان طبق دیدگاه علامه از این حد فراتر رفت و با اقتدا به آموزه‌های وحی (که اسلام را دینی جهانی معرفی می‌نماید) و با ترویج و گسترش این آیین در سرتاسر جهان، روحیه برابری و برادری بر مبنای تقوا را در بین همه افراد بشری به وجود آورد و به ایجاد همبستگی جهانی پرداخت.

از همین رو است که فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران از «درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی» در کنار «حفظ وحدت و تفاهم ملی» به عنوان یکی از قلمروهای ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سخن گفته و درک ارتباط فرد با محیط‌های پیرامون او را به عنوان یکی از رویکردهای این نوع تربیت مورد توجه قرار داده است. در این رویکرد، ارتباط افراد با یکدیگر، منشأ تعالی ظرفیت‌های وجودی آنها و توسعه تجارب متراکم هر جامعه است. بنابراین، محدود کردن یا حذف نمودن ارتباط نتیجه‌ای جز سکون نسبی در حیات انسانی و پیشگیری از تعالی فردی و اجتماعی ندارد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۳۷). به این ترتیب، نظام آموزشی جمهوری اسلامی نیز در اسناد آموزشی که به تازگی تدوین نموده است به همبستگی جهانی در کنار وحدت و انسجام ملی توجه داشته است، اما این امر، هنوز به شکل یک هدف تربیتی - اجتماعی صریح بیان نشده است. به هر حال، این نکته نشان می‌دهد که در حال حاضر، نظام آموزشی ایران به طور مداوم و مستمر به سوی اسلامی‌تر شدن و انطباق هر چه بیشتر با موازین وحی در حال حرکت است.

امر به معروف و نهی از منکر: پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی که در تربیت اجتماعی نظام آموزشی جمهوری اسلامی به عنوان یک هدف مطرح شده است، در دیدگاه علامه صراحتاً به عنوان یک روش اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

این روش از دیدگاه علامه یکی از شاهکارهای اسلام است که به عنوان وظیفه‌ای دینی بر عهده همه افراد اعم از حاکم و ملت، قوی و ضعیف، مرد و زن، کوچک و بزرگ گذاشته شده است و هدف از اعمال آن جلوگیری از تخلف قوانین و حفظ علم و عمل صالح در جامعه است (طباطبایی، بی‌تا، الف، ص ۳۱-۳۰؛ ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۵۷). البته از سویی می‌توان گفت علامه آنجا که به کاربرد امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه نظر داشته از آن به عنوان یک روش نام برده است. وی افراد یک جامعه را

در سطحی از رشد فرض نموده است که می‌توانند در مراقبت از ادامهٔ رشد و تکامل یکدیگر، با هم همکاری کنند و یکدیگر را یاری دهند. اما اگر قرار باشد چنانکه مد نظر علامه است، همه (حاکم و ملت، قوی و ضعیف، مرد و زن، کوچک و بزرگ) از این روش استفاده کنند، لازم است پیشتر به آن سطح از رشد رسیده باشند و در ضمن با اصول و قواعد استفاده از روش آشنا شوند و این وظیفه‌ای است بر دوش نظام آموزشی. پس ایجاد روحیهٔ استفاده از روش امر به معروف و نهی از منکر در اوایل رشد و بلوغ افراد به عنوان یک هدف مد نظر قرار می‌گیرد. در اینجا یک روش در درجه‌ای از اهمیت قرار گرفته است که کاربرد آن بر عهدهٔ همهٔ افراد جامعه گذشته می‌شود، بنابراین، در عین روش بودن، به عنوان یک هدف مورد توجه قرار می‌گیرد.

احترام به قانون: پرورش روحیهٔ احترام به قانون و التزام به رعایت آن، یکی دیگر

از اهداف اجتماعی نظام آموزشی ایران است.

علامه طباطبایی نیز در اندیشه‌های اجتماعی خویش بحث قانون را به عنوان یکی از مباحث پراهمیت مطرح می‌سازد. از دید وی در هر جامعه برخورد منافع افراد باعث ایجاد فساد و اختلاف در آن جامعه می‌شود؛ زیرا محصول فعالیت‌های افراد به هم آمیخته است و همه می‌خواهند از آن استفاده نمایند. بنابراین، برای حفظ اجتماع از بی‌نظمی و متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن، وجود قانون ضروری است. اما از سوی دیگر، علامه از این نکته نیز غافل نیست که طبع آزادی خواه بشر از هر محدودیت و ممنوعیتی گریزان است و قانون را تنها بدان سبب می‌پذیرد و رعایت می‌کند که از این راه بتواند دست‌کم بخشی از آزادی خویش را حفظ کند؛ زیرا می‌داند بدون قانون هرج و مرج و آشوبی در جامعه پدید می‌آید که ممکن است کل آزادی وی را مختل نماید. پس گردن نهادن انسان به قانون از سر اجبار است. بنابراین، وی هر جا فرصت یا قدرتی بیابد به راحتی قوانین را نقض و حقوق دیگران را پایمال می‌کند. حتی ضمانت‌های اجرایی در این مورد کارساز نیستند. علامه دلیل این امر را بی‌توجهی قوانین به معنویات و غرایز درونی (مانند آزادی طلبی، خودخواهی و شهوت پرستی) که منشأ اصلی مفاسد است، می‌داند. از نظر او تنها هدف وضع چنین قوانینی ایجاد هماهنگی و نظم در اعمال مردم و جلوگیری از اختلاف و کشمکش میان آنها است. وی راه‌حل این مسئله را درونی‌سازی اعتقاد به وجود ناظری برتر (خدا)؛ در همه حال و برخورداری از پاداش اخروی می‌داند. در این صورت، فرد با میل و رغبت درونی قوانین را پاس می‌دارد و حتی در غیبت

کنترل‌های بیرونی (مانند پلیس و مجازات) از آن تخلف نمی‌کند؛ زیرا می‌داند هر چه از آزادی خویش چشم‌پوشد بپوشد خسارتی ندیده است و در آخرت به پاداشی برتر دست می‌یابد. پس احترام به قانون تنها در سایه اصلاح احساسات درونی تحقق می‌پذیرد (طباطبایی، بی‌تا، الف، ص ۱۳-۸؛ ۱۳۸۵، ص ۹۰؛ بی‌تا، ب، ص ۱۲۷)

با این توضیح مشخص می‌شود که نگاه علامه به هدف پرورش روحیه احترام به قانون نسبت به آنچه در اهداف کلی اجتماعی نظام آموزشی ایران آمده، عمیق‌تر است؛ زیرا در این اهداف تنها احترام به قانون مد نظر است، بدون در نظر گرفتن این نکته که این احترام ممکن است امری ظاهری، سطحی و از ترس مجازات باشد. اما علامه به درونی‌سازی منبع کنترل به جای عوامل بیرونی تأکید دارد. بنابراین، می‌توان گفت اصلاح احساسات و درونی‌سازی احترام به قانون هدف اجتماعی مورد نظر علامه است و نه صرف ایجاد التزام (درونی یا بیرونی) به قانون.

البته باید گفت جهت‌گیری اخیر نظام آموزشی که در صدد اسلامی‌سازی هر چه بیشتر تربیت رسمی و عمومی است تا اندازه زیادی به جنبه درونی اهداف نیز توجه دارد. از جمله آنکه با رد تلقین و تحمیل فهرستی از ارزش‌ها و هنجارها به عنوان تربیت ارزش‌مدار، بر ضرورت ایجاد رغبت و آگاهی نسبت به مطلوب و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ب، ص ۸۵) تأکید می‌ورزد. اگر این امر به عنوان یکی از فلسفه‌های مبنایی قلمروهای مختلف تربیت در نظر گرفته شود، می‌توان گفت منظور از احترام به قانون نیز التزام آگاهانه به آن است، بنابراین، از این حیث نیز تفاوتی بین دیدگاه علامه و اهداف تربیت اجتماعی ایران وجود ندارد؛ جز این که نظام ایران با اندکی تأخیر به تصریح این امر پرداخته است.

نظم در روابط: پرورش روحیه نظم در روابط فردی و اجتماعی هدف اجتماعی دیگری است که باید از طریق نظام آموزشی کشور تحقق یابد.

علامه طباطبایی نیز معتقد است در هر جامعه نظام مخصوصی وجود دارد که بر اساس بینش عقلایی انسان‌ها به وجود آمده است و همه افراد جامعه باید اعمال فردی و اجتماعی خود را با آن تطبیق دهند. بحث قانون نیز که در هدف پیشین بدان اشاره شد، به همین علت به وجود می‌آید که از طریق آن امور مختلف زندگی منظم گردد، اختلافات غیرقابل اجتناب حل شود و هر فرد با قرار گرفتن در جایی که سزاوار آن

است به سعادت و کمال وجودی خود دست یابد. از این رو است که علامه به استناد به آیات قرآنی معتقد است که بر هم نزدن نظم جامعه (در سطح فردی و اجتماعی) بهترین راه تأمین سعادت انسان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۲؛ ج ۸، ص ۲۳؛ ج ۱۲، ص ۲۹۴). پس پرورش روحیه نظم در روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه علامه نیز یکی از اهداف تربیت اجتماعی است.

مسئولیت‌پذیری و مشارکت: هدف اجتماعی دیگر، پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری

و مشارکت در فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی است.

در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، به انسان به عنوان موجودی آزاد و انتخابگر اشاره شده است که نسبت به انجام درست تکالیف فردی و اجتماعی خود مسئول است و باید پاسخگو باشد (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۹). بدین منظور، در مبانی اجتماعی تربیت رسمی و عمومی، بر ضرورت زمینه‌سازی عادلانه برای کسب شایستگی مشارکت فعال در حیات فردی و اجتماعی از سوی شهروندان، از طریق شناخت و تعالی مستمر ظرفیت‌های متریبان تأکید شده است (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ص ۵۳-۵۲). پس مسئولیت‌پذیری و مشارکت، مستلزم برخورداری از شایستگی‌های ضروری است که خود نظام آموزشی وظیفه فراهم آوردن آن را بر عهده دارد.

این هدف از دیدگاه علامه در دو سطح کلی و موردی مطرح شده است. در سطح کلی، وی دین را صبغه و روشی اجتماعی معرفی می‌کند که خدا نه تنها مردم را به قبول آن دعوت می‌کند بلکه اقامه آن را هم به عهده خودشان می‌گذارد. علامه از این بحث نتیجه می‌گیرد که مجتمعی که از مردم تشکیل یابد اختیارش هم به دست مردم خواهد بود و همه به طور مساوی در برابر آن مسئول هستند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۹۳). مسئول دانستن مردم در قبال جامعه، متضمن مشارکت در همه فعالیت‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... است و علامه نیز بدین امر توجه دارد و به مواردی از این دست اشاره کرده است.

در زمینه مشارکت در فعالیت‌های دینی، علامه اعتقاد دارد، عبادات در اسلام، افزون بر جنبه‌ی فردی، دارای بعدی اجتماعی نیز هستند و مشارکت افراد در فعالیت‌های دینی و عبادات دسته‌جمعی باعث رفع اختلافات و ایجاد انس و الفت بین مردم یک جامعه می‌شود (طباطبایی، بی‌تا، الف، ص ۹۷-۹۵). بنابراین، آنها در قبال

این امر مسئول هستند و باید نسبت به شرکت در فعالیت‌های دینی به عنوان یک مسئولیت اجتماعی حساس باشند.

در بعد مسئولیت و مشارکت اقتصادی، می‌توان بر مباحث مربوط به ضرورت همکاری در رفع نیازهای جامعه اشاره کرد. در این رابطه علامه معتقد است، کثرت نیازهای انسان تقسیم وظایف بین افراد یک جامعه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به این ترتیب، هر فرد مسئولیت رفع بخشی از نیازهای جامعه را بر عهده می‌گیرد. در این زمینه وی باید تمام تلاش خود را برای ایفای صحیح و کامل این مسئولیت به کار گیرد و آن را به بهترین نحو ممکن انجام دهد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۴۸-۱۴۹).

هم‌چنین در این زمینه می‌توان به مسئله انفاق اشاره کرد که شامل مسئولیت افراد جامعه در قبال رفع مشکلات مادی و نیازهای نوعی (مثلاً تعلیم و تربیت) است و هدف از آن رفع نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه است. در انفاق، در نظر داشتن رضایت الهی امری اساسی است (همان، ج ۲، ص ۵۸۷-۵۹۶). به دیگر سخن، افراد جامعه باید به‌گونه‌ای پرورش یابند که در ایفای مسئولیت‌های خود، تنها بر اساس جلب رضایت خدا عمل نمایند و این خود به ایجاد التزام درونی منجر می‌گردد.

تولی و تبری: تقویت روحیه تولی و تبری هدفی است که مستقیماً مورد تأکید علامه قرار گرفته است. تولی (دوست داشتن خدا و دوستان او) از آن جهت مورد توجه است که در باور اسلام تنها یاور و ولی حقیقی خدا است. بنابراین، وجدان و ایمان مؤمنان باید آنان را بر آن بدارد که تنها خدا و اولیای وی را دوست بدارند و به عنوان ولی و سرپرست خود برگزینند. اهمیت تبری (بیزاری جستن از دشمنان خدا و دشمنی با او) نیز در این است که دوستی با کفار و دشمنان خدا باعث می‌شود که آنان با مداخله در امور داخلی مؤمنان به تدریج در دل ایشان نفوذ کنند و در نتیجه مؤمنان را از قیام علیه دشمنان باز دارند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۱۴؛ ج ۹، ص ۵۴۲-۲۷). پس، پرورش این روحیه در افراد جامعه از اهمیت حیاتی برخوردار است و کاملاً جنبه دینی دارد؛ به‌گونه‌ای که تولی و تبری از جمله فروع دین اسلام محسوب می‌شود.

ایثار: تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط اجتماعی هدف دیگری در تربیت اجتماعی است که از اصل فراهم ساختن زمینه خروج متربی از خودمحوری برمی‌خیزد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ب، ص ۱۳۹).

اهمیت این هدف از دیدگاه علامه به اندازه ای است که وی فداکاری افراد جامعه به خاطر برادران مسلمانان را به عنوان راه خدا (سبیل الله) بر هر فرد مسلمان واجب می‌داند. گذشتن از بخشی از آزادی خویش به منظور حفظ و احترام به آزادی دیگران و جهاد در راه خدا دو نمونه از فداکاری‌هایی است که علامه در روابط اجتماعی به آن اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۶۷۳-۶۷۲؛ ج ۱۰، ص ۵۵۰؛ ج ۱۴، ص ۵۴۱). هر دو مورد ذکر شده، به نحوی زمینه‌ای برای خروج فرد از خودمحوری است؛ زیرا وقتی فرد از آزادی خود به خاطر دیگران بگذرد، بدین معنا است که برای افراد دیگری جز خود نیز ارزش و اهمیت قائل بوده و تنها به خواسته‌های خود نیندیشیده است. جهاد در راه خدا، در سطحی وسیع‌تر و عمیق‌تر به خروج فرد از خودمحوری کمک می‌کند؛ زیرا فرد از جان و مال خود می‌گذرد و برای حفظ دین خدا و ناموس و آبروی هموطنان و هم‌کیشانش به جهاد برمی‌خیزد. یعنی محوریت زندگی خویش را به خدا و مردم گسترش می‌دهد.

سعه صدر و تحمل آرا: پرورش سعه صدر و تحمل آرای دیگران در برخورد اندیشه‌ها هدف دیگری است که نظام تربیت رسمی و عمومی از آن به منظور نزدیک کردن فرزندان اقوام و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متنوع در کشور استفاده می‌کند تا به شکل‌گیری، تثبیت و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه پردازد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ب، ص ۷۰). افزون بر این، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، در سخن از وحدت ملی و انسجام اجتماعی به عنوان یکی از اصول عام تربیتی، بر «همزیستی مسالمت‌آمیز و توأم با تفاهم پیروان ادیان، مذاهب و اقوام در کشور و جهان» (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، الف، ص ۲۳) تأکید می‌کند. این امر نشانگر آن است که هدف بیان شده، در جهت بهبود روابط افراد جامعه مدنظر قرار می‌گیرد. زیرا افراد تا هنگامی که از یکدیگر فاصله بگیرند و تحمل شنیدن دیدگاهی جز دیدگاه خود را نداشته باشند، قادر نیستند فراتر از چهارچوب اطلاعات و تجارب خود بیندیشند و یا به تجزیه و تحلیل بی‌طرفانه آرای دیگران پردازند. بنابراین، ضمن عدم درک متقابل یکدیگر، نمی‌توانند روابط مسالمت‌آمیز و یکپارچه‌ای داشته باشند.

در رابطه با روش پرداختن علامه به این هدف باید گفت، منظور او از سعه صدر پذیرش هر سخن حق با داشتن بصیرت نسبت به آن است؛ یعنی فرد هر سخنی را به خوبی بشنود و اگر حق بود بپذیرد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۳۸۷). این مفهوم از

سعه صدر در برگیرنده این معنا است که فرد در برابر آرای دیگران دارای قدرت تحمل باشد و نظرات مخالف را بشنود؛ زیرا تا وقتی چنین روحیه‌ای در او نباشد، تحمل کافی برای شنیدن انبوه اندیشه‌های موجود در جامعه را ندارد، پس نمی‌تواند حق را از میان آنها بیابد. اما اگر بصیرت هم نداشته باشد شنیدن آرای دیگران نه تنها به او کمکی نمی‌کند، بلکه ممکن است او را تحت‌تأثیر اندیشه‌های انحرافی قرار دهد و از مسیر حق خارج نماید. پس سعه صدر و تحمل آرا در اندیشه علامه فراتر از چیزی است که در اهداف اجتماعی نظام آموزشی ایران به چشم می‌خورد؛ زیرا این اهداف به صبر و تحمل در برابر آرای مخالف تأکید دارد. هر چند این امر می‌تواند مقدمه‌ای بر تجزیه و تحلیل و رد یا قبول آرای مخالف باشد اما تصریح علامه در مورد ضرورت قضاوت در مورد این آرا و تشخیص حق از باطل روشن‌تر است. یعنی ارزش سعه صدر و تحمل آرا در واقع از آن‌رو است که فرد را در تشخیص حق و پذیرش آن یاری دهد و این امر وجود بصیرت را نیز در فرد ضروری می‌سازد. لذا، این هدف از منظر علامه به نحوی کامل‌تر بیان می‌شود: پرورش روحیه تحمل‌آرای مخالف و قدرت تحلیل آگاهانه آنها به منظور کشف حقیقت. البته هدف پرورش سعه صدر و تحمل آراء دیگران در برخورد اندیشه‌ها چنان که در نظام آموزشی جمهوری اسلامی مطرح است، در صورتی که با هدف دیگر آن، یعنی پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء در کنار هم قرار بگیرند، دربرگیرنده همین معنا خواهند بود. بنابراین، با در کنار هم قرار دادن این دو هدف، می‌توان گفت نحوه نگرش علامه و نظام آموزشی ایران به هدف مورد بحث یکسان است.

احترام به شخصیت و مراعات حقوق: پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی آنان از جمله اهدافی است که تربیت اجتماعی در ایران به دنبال تحقق آن است.

به‌طور کلی در نظام آموزشی ایران جریان تربیت رسمی و عمومی بر اساس کرامت و حقوق متقابل انسانی شکل می‌گیرد و این امر یکی از معیارهایی است که به عنوان راهنمای عمل مربیان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی مورد توجه است. در این زمینه، باید گفت رابطه حقوقی، رابطه‌ای متقابل است. یعنی وقتی حقی برای کسی لحاظ می‌شود، دیگران در برابر این حق مسئولیتی دارند و بالعکس (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶). به این ترتیب، نظام آموزشی با ایجاد

حقوق و مسئولیت‌های متقابل برای معلمان و دانش‌آموزان و ملزم ساختن آنان به رعایت آن، کودکان را آماده می‌سازد تا در جامعه بزرگ‌تر نیز نسبت به شخصیت و حقوق دیگران حساس باشند و به دیده احترام و رعایت بدان بنگرند.

توجه به هدف بالا در اندیشه علامه از آنجا بدست می‌آید که به اعتقاد وی اسلام امتیازات و اختصاصات ظاهری را لغو کرده و حقوق جانی، عرضی و مالی افراد را به صورت یکسان محترم می‌شمارد و افکار و عقاید و خواسته‌های همه را مورد اعتنا قرار می‌دهد. یعنی همه را در کاربرد حقوق محترم خود تام‌الاختیار ساخته و بر کار و دستمزد و منافع حاصل از آن مسلط می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۴۹). وقتی اسلام چنین احترامی برای شخصیت و حقوق مادی و معنوی افراد قائل است، بی‌شک اجازه نمی‌دهد این حقوق از جانب کسی مورد تجاوز قرار گیرد. از این رو از دیدگاه علامه پرورش روحیه احترام به حقوق و شخصیت دیگران باید به عنوان یک هدف در هر جامعه‌ی اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

مقاومت در برابر تبلیغات سوء: آخرین هدفی که در ساحت تربیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء است. این امر از طریق مبارزه با جهل و ترویج و گسترش دانش و آگاهی عمومی انجام می‌گیرد و از جمله وظایف اصلی حاکم جامعه اسلامی می‌باشد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، ص ۷۱-۷۲). بنابراین، تحقق هدف مورد بحث از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند به عنوان هدفی مبنایی مورد توجه قرار گیرد. در ضمن برای تحقق این هدف، اکتفا به نظام آموزشی کافی نیست؛ هر چند زمینه‌سازی آن در مدرسه امری ضروری است اما به هر حال لازم است که به‌طور کلی و در عرصه وسیع جامعه، از طریق نهادهای گوناگون و به‌طور مستمر انجام شود و دربرگیرنده همه افراد جامعه (نه فقط کودکان و نوجوانان در مدارس) باشد. به‌ویژه که امروزه با گسترش وسایل جدید ارتباط جمعی و سهولت دستیابی عموم مردم به شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای، آنها هر روز در معرض بمباران تبلیغاتی شدید و عمیق هستند و برای آنکه بتوانند به تجزیه و تحلیل عقلانی اخبار و اطلاعاتی که هر روز از این راه و دیگر راه‌ها کسب می‌کنند، پردازند و شنوندگانی منفعل نباشند، باید خود مجهز به دانش و بینش گسترده‌ای باشند. به این ترتیب، اهمیت این هدف در جهان امروز بیش از هر زمانی است.

علامه طباطبایی به تبعیت از قرآن از تبلیغات سوء با عنوان «لهو الحدیث» نام برده است. لهو هر چیزی است که انسان را از مهمش باز دارد و لهو الحدیث سخنی است که او را از حق منحرف کرده به خود مشغول سازد. این سخن، ساخته و پرداخته فکر انسان‌هاست که دست به دست می‌گردد و در درجه اول معارض با حقایق قرآنی است و در درجه دوم بنیان دیگر معارف حق و صحیح را در انظار مردم سست و سپس منهدم می‌نماید. علامه معرفی حقایق را در برابر این تبلیغات سوء عامل آگاه‌سازی مردم می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۳۱۴-۳۱۳). بنابراین، از دیدگاه وی پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء و انحرافی موجود در جامعه از طریق ارائه حقایق به مردم باید به عنوان یک هدف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

اهداف مغفول‌مانده تربیت اجتماعی نظام آموزشی ایران از منظر علامه

چنانکه در بررسی اهداف نظام آموزشی ایران معلوم شد، بر مبنای دیدگاه اجتماعی علامه طباطبایی می‌توان اهداف جامع‌تر و وسیع‌تری را برای تربیت اجتماعی تدوین کرد. بنابراین، در ادامه به بررسی اهداف اجتماعی که در نظام آموزشی ایران مورد غفلت بوده است پرداخته می‌شود.

پرورش روحیه کاربرد عقلانیت در زندگی فردی و اجتماعی: به اعتقاد علامه اساس حیات بشر در همه شئون فردی و اجتماعی‌اش بر سلامت ادراک و اندیشه استوار است؛ زیرا عقل عامل تمایز او از سایر آفریده‌ها و نیرویی است که به‌وسیله آن می‌توان حق و باطل و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص داد. به همین دلیل است که اساس همه مفاسد اجتماعی و فردی در تحلیل نهایی اعمالی است که به بطلان حکومت عقل منجر می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). از این‌رو، چه در انسان و چه در جامعه باید عقل حکومت کند، نه هواهای نفسانی (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۱۲). پس به منظور حفظ سلامت جامعه باید از ابتدا روحیه کاربرد عقلانیت در زندگی فردی و جامعه در افراد پرورش یابد و این هدفی است که در تربیت اجتماعی از منظر علامه مورد توجه قرار گرفته است.

حفظ فردیت در عین تعهد در برابر اجتماع: از نظر علامه همه انسان‌ها در عین کثرت عددی که دارند از نظر نوع یکی هستند. به این ترتیب که هر انسان جزئی از جامعه است که به تنهایی آثار و خواص خود را دارد. از به هم پیوستن این انسان‌ها

وجود دیگری، مطابق با قوت و ضعف آنها حاصل می‌شود؛ یعنی علاوه بر تک‌تک افراد، اجتماعی به وجود می‌آید که در کنار آثار و خواص آنها، آثار و خواصی دیگر دارد که قوی‌تر از آثار و خواص همه است. از این رو قرآن به برخی از مسائل، هم‌چون وجود، عمر، کتاب، فهم و شعور، عمل و اطاعت هم برای افراد و هم برای جوامع قائل است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۰). از این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه انسان و جامعه در عین آنکه با هم متحد و هر دو یکی هستند، هر یک وجودی مستقل نیز دارند که جدای از دیگری دارای هویت است. به سخن دیگر، فرد و جامعه اگرچه گره‌خورده در یکدیگرند، هر دو اهمیت دارند و هیچ‌یک فدای دیگری نمی‌شود. بنابراین، یکی از اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه آن است که فرد در عین حفظ استقلال و فردیت خویش با جامعه پیوند بخورد و نسبت به مسائل آن حساس باشد.

در توجیه بیشتر این امر، می‌توان به مفهوم مشارکت در برابر مشایعت اشاره کرد. مشایعت به این معنا است که فرد همچون عنصری بی‌اراده، تنها تحت فشار جمع و به تبعیت از آن عمل کند. در این حالت، وی به ظرفی تهی می‌ماند که ویژگی‌هایش بر حسب جمعیتی که در آن است، شکل می‌گیرد. بنابراین، حتی وقتی در جمعیتی قرار می‌گیرد که مورد قبول او نیست، مجبور است با آن هماهنگ شود. در برابر، وقتی فرد دارای احساس کرامت و منزلت باشد، نوعی هویت درونی کسب می‌کند که به وی اجازه می‌دهد به جای مشایعت به مشارکت پردازد. در این زمان، شخص دارای فردیتی ممتاز و متمایز می‌گردد و خود را تحت هر شرایطی، مجبور به همنوایی با گروه نمی‌بیند (باقری، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹-۴۰۷).

با توجه به دیدگاه علامه در مورد اهمیت فرد و هویت مستقل وی از جامعه، این امر در تربیت اجتماعی کاملاً طبیعی است؛ زیرا وقتی فرد قادر است هم ویژگی‌های طبیعی خود را در جامعه حفظ کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷۰) و هم ویژگی‌هایی داشته باشد که با ویژگی‌های کلی جامعه متفاوت است، هیچ چیزی وجود ندارد که او را به همراهی بی‌چون و چرا با جمع مجبور سازد.

لازم به ذکر است که امکان وجود ویژگی‌های متفاوت از جامعه در فرد، (که در بالا بدان اشاره شد) برداشتی است از مطلبی که علامه طباطبایی در مورد جامعه زمان پیامبر نگاه داشته است: «تنها امتیازی که مسلمانان صدر اول با سایر مسلمین داشته‌اند این بوده که

مجتمع آنان مجتمعی فاضل بود که زمام امرشان به دست رسول الله (ص) بود و معلوم است که اجتماعی که سرپرست آن چنین شخص شریفی باشد، نور ایمان آن اجتماع را فرا می‌گیرد و سیطرهٔ دین در آن حکومت می‌کند. البته این حال مجتمع آنان از حیث مجتمع بود و منافات ندارد که تک‌تک افراد آن از نظر عمل، بعضی صالح و بعضی طالح و از نظر اخلاق، بعضی دارای فضایل اخلاقی و بعضی مبتلا به رذایل اخلاقی باشند و در آن مجتمع هر رنگی از رنگ‌های اخلاق و ملکات یافت شود» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۶۹۹).

بر این اساس، هدف بالا به این معنا است که در کنار وظایف اجتماعی عمومی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های فردی هر کس به طور مستقل مورد توجه قرار بگیرد و به جای فشار آوردن بر افراد برای یکدست کردن این ویژگی‌ها، تلاش شود که هر کس در ظرف وجودی خویش رشد کند و به کمال شایستهٔ خود دست یابد.

البته این نکته قابل توجه است که نظام آموزشی ایران نیز در تدوین فلسفهٔ تربیت به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری انسان از جامعه (هر دو) اشاره کرده است و افزون بر آن بر وجود دو هویت فردی و اجتماعی برای انسان تأکید می‌ورزد. در این دیدگاه، وجه فردی مانع استحلال فرد در گروه می‌شود و وجه جمعی به داد و ستد بین افراد و ایجاد احساس اشتراک هویت (بدون سلب ارادهٔ فردی) منجر می‌گردد (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۵). این اشاره نشانگر آن است که فلسفهٔ تربیتی ایران برای فرد قائل به وجودی مستقل از جامعه است. اما به هر حال، دیدگاه علامه در این زمینه، تفصیلی‌تر و در نتیجه کامل‌تر است. به علاوه، این مبنای فلسفی، با آنکه در گزارش طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است، هنوز به عنوان یک هدف در اهداف اجتماعی نظام آموزشی تصریح نشده است.

پرورش روحیهٔ اصلاح ذات بین: ذات بین به دشمنی و روابط تیره‌ای که میان دو طرف پدید می‌آید، گفته می‌شود. به اعتقاد علامه هر گاه روابط بین دو دسته از مسلمانان به تیرگی گرایید بر دیگر مسلمانان واجب است که به اصلاح این روابط اقدام کرده صلح را بین آنها برقرار سازند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۶؛ ج ۱۸، ص ۴۷۰). پس مسلمانان نه تنها به حسن معاشرت با یکدیگر سفارش شده‌اند بلکه در قبال رفع کدورت‌ها و دشمنی‌ها و ایجاد رابطهٔ نیکو بین دیگر افراد مسئول‌اند. بنابراین، پرورش روحیهٔ اصلاح ذات بین از جمله اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه است.

نتیجه گیری

در این مقاله اهداف تربیت اجتماعی ایران تحلیل و با دیدگاه‌های علامه طباطبایی مقایسه شد. نتایج به دست آمده بیانگر این است که اگرچه اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه نسبت به نظام آموزشی ایران جامعیت بیشتری دارد، اسناد و گزارش‌های آموزشی اخیر، حاکی از کاهش تدریجی این فاصله است. به علاوه، بسیاری از اهداف تربیت اجتماعی ایران با تمسک به دیدگاه علامه قابل تبیین است. بر این اساس، نتایج مقاله بدین شرح است:

- از میان دوازده هدف تربیت اجتماعی نظام آموزشی ایران، هفت هدف تقریباً مانند دیدگاه علامه است. این اهداف عبارتند از: روابط خانوادگی سالم، نظم، تولی و تبری، ایثار، تعاون ملی و همبستگی فراملی، احترام و مراعات حقوق و مسئولیت‌پذیری. دو هدف (قسط اسلامی و احترام به قانون) از منظر علامه ابعاد گسترده‌تری دارد؛ البته جهت‌گیری تربیت اجتماعی ایران نیز در حال بهبود و تعمیق بیشتر است. هدف سعه صدر در کنار هدف مقاومت در برابر تبلیغات سوء، با دیدگاه علامه مطابقت دارد و بالاخره دو هدف (امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد روحیه برابری) در تربیت اجتماعی ایران به عنوان هدف و در آرای علامه به عنوان روش مطرح می‌گردد. نکته قابل ذکر آنکه تعاون، برابری و همبستگی در نظام آموزشی ایران به عنوان یک هدف مطرح می‌شود اما چون در اینجا این هدف به سه قسمت تقسیم شده است، اهداف تربیت اجتماعی نظام آموزشی ایران به چهارده هدف افزایش می‌یابند. در ضمن، اهدافی چون عقلانیت فردی و اجتماعی، فردیت در عین تعهد و اصلاح ذات بین در تربیت اجتماعی ایران تصریح نشده‌اند.
- اهمیت هدف روابط خانوادگی از دیدگاه علامه به علت فطری بودن تشکیل خانواده و نقش آن در رفع نیازها، بقای جامعه و نیل به سعادت است و نظام آموزشی ایران به نقش خانواده در توسعه آزادی و مرتبه وجودی انسان توجه دارد؛ نکته‌ای که در پرتو آنچه علامه در اهمیت خانواده بیان می‌دارد، توجیه می‌گردد.
- عدل و قسط در دیدگاه علامه در دو سطح ایفاء به قسط و قیام کامل به قسط (تسلط کامل بر عمل) مورد توجه است. سطح دوم گامی فراتر از مفهوم قسط در اهداف تربیت اجتماعی ایران است.

- احساس برابری و قبول تقوا به عنوان یگانه معیار برتری، افراد را به همکاری و اجتماع بر نیکی وا می‌دارد که در نهایت با نزدیک کردن دلها، به همبستگی ملی و حتی جهانی منجر می‌گردد. نظام آموزشی ایران، افزون بر همبستگی ملی، اخیراً توجه بیشتری بر همبستگی جهانی دارد.
- امر به معروف و نهی از منکر روشی است که استفاده از آن نیازمند درجاتی از رشد است و تا قبل از رسیدن به این رشد، به عنوان یک هدف نگریسته می‌شود.
- علامه در تحقق هدف احترام به قانون به اصلاح احساسات و درونی‌سازی آن نظر دارد، نه فقط ایجاد التزام درونی یا بیرونی. نظام آموزشی نیز اخیراً بر التزام آگاهانه و اختیاری تأکید می‌ورزد.
- مسئولیت‌پذیری و مشارکت، مستلزم برخورداری از شایستگی‌هایی است که نظام آموزشی باید به وجود آورد. این امر در ابعاد مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مورد توجه قرار می‌گیرد.
- آنچه علامه به عنوان مصادیق ایثار مطرح می‌کند، گامی است در جهت خروج از خودمحوری که تربیت اجتماعی ایران به آن نظر دارد.
- در پایان به عنوان سخن آخر باید گفت، در مقدمه سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مرداد ماه ۱۳۸۹ آمده است: «...تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی و تدوین الگویی اسلامی-ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور می‌باشد». این امر نشان می‌دهد اکنون، نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران درصدد است به توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تحول بنیادی در نظام آموزش و پرورش را پی‌گیری کند و با استخراج اهداف، اصول و روش‌ها از منابع اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی را محقق نماید. بنابراین، ضروری است به آرا و دیدگاه‌های متفکران و نظریه‌پردازان حوزه دین، که علامه طباطبایی یکی از سرآمدان آن است، توجه ویژه مبذول کند و با استفاده از آرا و افکار آنان، تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی را پربارتر از گذشته نماید.

منابع

- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۷)، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۹ الف)، سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۹ ب)، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، گزارش‌نهایی تلفیق یافته‌های مطالعات نظری (بخش دوم: فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۲)، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: امیرکبیر.
- صادق‌زاده، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸ الف)، طرح تدوین سند ملی نظام تربیت رسمی و عمومی، گزارش تلفیق نتایج نظری (رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران)، ویراست ۶، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- _____ (۱۳۸۸ ب)، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، گزارش تلفیق نتایج نظری (فلسفه تربیت)، ویراست ۱۱، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵)، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۸۶)، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ ج، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۸۷ الف)، روابط اجتماعی در اسلام، به ضمیمه چند رساله‌ی دیگر، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- _____ (۱۳۸۷ ب)، شیعه در اسلام، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- _____ (بی تا، الف)، اسلام و اجتماع، قم: جهان آرا.
- _____ (بی تا، ب)، وحی یا شعور مرموز؟ قم: انتشارات دارالفکر.